



## پرداخت خسارات به کشاورزان

براساس قانون ماده ۲۵ کسب و کار، وزارت نیرو مکلف به پرداخت خسارت ناشی از قطعی برق به کشاورزان است. محمد بازرگان، عضو اتاق اصناف کشاورزی ادامه داد: در کشت غرقابی اگر برق قطع شود، با وصل مجدد آن زل زمین باید آبیاری شود. به عنوان مثال اگر زمینی ۱۰ هکتاری باشد و تا ۵۰ هکتار آبیاری شده باشد، با قطعی برق مجدد باید از ابتدا آبیاری شود. عضو اتاق اصناف کشاورزی با بیان اینکه مدیریت برق نباید تنها بر گردن بخش کشاورزی بیفتد و کشاورزان را دچار چالش کند، افزود: با وجود آنکه قطعی برق چاه‌های کشاورزی خلاف قانون است، این سوال مطرح است که چرا برق تجاری و خانگی مشمول قطعی نمی‌شود؟ بازرگان افزود: وزارت نیرو طبق ماده ۲۵ قانون فضای کسب و کار باید خسارت ناشی از قطعی برق را به کشاورزان بپردازد و همواره براساس یکی از بندهای برنامه هفتم دولت موظف است که خسارت رفتار تکلیفی و دستوری در بخش کشاورزی را پرداخت کند.



## توصیه به دولت چهاردهم

تشکل‌های بخش غیردولتی کشور طی بیانیه‌ای اعلام کردند دولت آینده باید حل مشکلات اقتصادی را در اولویت قرار دهد و بخش خصوصی و تعاونی را مکمل خود بداند و از رقابت با او دست بکشد. تشکل‌های بخش غیردولتی اقتصاد درباره انتظاراتی که از دولت چهاردهم دارند، بیانیه مشترکی تهیه و منتشر کردند. در این بیانیه که از سوی اتاق ایران، اتاق اصناف، اتاق تعاون، خانه معدن ایران، خانه صنعت، معدن و تجارت ایران و خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان به امضا رسیده، بر لزوم توجه دولت چهاردهم به رفع چالش‌های اقتصادی تأکید شده است. فعالان بخش خصوصی و تعاونی از دولت آینده خواستند که در قدم اول «راهبرد توسعه اقتصادی کشور» را تهیه و ضمن چابک‌سازی بدنه دولت از تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ، ناگهانی و هزینه‌زاد دوری کند. به باور آنها تعامل سازنده با دنیا و تلاش برای تقویت تولید و توسعه صادرات در کنار خروج از اقتصاد و پایان دادن به بنگاه‌داری، باید مورد توجه دولت چهاردهم باشد. همچنین ایجاد بازاری رقابتی و برقراری اشتهای ملی و ارتقای اعتبار و سرمایه اجتماعی دولت از دیگر انتظارات بخش غیردولتی از دولت چهاردهم است.



## کاهش صادرات فولاد

صادرات فولاد ۴ میلیارد دلار کاهش داشت. به گزارش ایسنا، وحید یعقوبی، معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران با اشاره به کاهش صادرات فولاد بیان کرد: در صنعت فولاد سهم اصلی صادرات در اختیار فولاد میانی (بیلت، بلوم و اسلب) است، در واقع این حلقه نیمی از صادرات فولاد کشور را در دست دارد اما حالا آمارهای دو ماهه سال جاری نشان می‌دهد میزان صادرات فولاد میانی ۵۰ درصد کاهش داشته است و اگر با همین دست فرمان جلو برویم شرایط سخت‌تر خواهد شد. وی ادامه داد: این در حالی است که امسال محدودیت‌های برق با فشار بیشتر از اوایل خرداد اعمال شده است، در نتیجه پیش‌بینی می‌شود تولید نیز نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کند و این در حالی است که ابتدا باید نیاز داخل کشور تامین شود و در ادامه صادرات انجام شود. به گفته یعقوبی، کاهش صادرات در دو ماهه اول سال با از دست رفتن ۴۰۰ میلیون دلار همراه بود. معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران افزود: حال اگر این شرایط ادامه پیدا کند باید منتظر از دست رفتن ۴ میلیارد دلار از محل صادرات در سال جاری باشیم.

## طیبنیا به سراغ دانه درشت‌ها می‌رود

محمد تقی فیاضی، کارشناس مرکز پژوهش‌ها در گفت‌وگو با هم‌میهن نیز درباره دو سیاست کنترل تورم و قیمت‌گذاری دولتی می‌گوید: «هر دو کاندیدای ریاست جمهوری عامل ایجاد تورم را به درستی ناترازی بودجه و ناترازی بانک‌ها می‌دانند. منتها راه حل‌هایی که عنوان می‌شود جای بحث دارد. اگر دولت آقای جلیلی را ادامه دولت آقای رئیسی بدانیم، روش‌ها همان فشار مالیاتی بیشتر خواهد بود.

راه حل دولت آقای رئیسی برای کنترل تورم افزایش درآمد‌ها از محل مالیات‌ستانی بیشتر است تا شکافی که بین هزینه‌ها و درآمد‌ها وجود دارد، پوشش داده شود. به این ترتیب فشار کمتری به منابع بانک مرکزی آورده شده و تورم کنترل شود. از این رهگذر بحث رفع ناترازی بانک‌ها هم پیگیری می‌شود اما نه با توان حداکثری.

ایرادی که به این روش وارد است که در صحبت‌های آقای طیبنیا نیز به آن اشاره شده و من پیشتر به آن پرداخته بودم، این است که تا زمانی که منابع درشت مالیاتی داریم نباید به سراغ محل‌هایی برویم که هم هزینه بالاتری دارد و هم ارقام ریزتری را در بر می‌گیرد. با این روش به مؤدیانی که همیشه حساب‌های روشنی داشتند و در بخش تولید کشور فعالیت می‌کنند، فشار وارد می‌شود. بنابراین رفتن به سراغ دانه درشت‌ها از آنچه تاکنون انجام شده، راه حل بهتری است.

البته آقای طیبنیا به بنیادهای و نهاد‌های انقلاب اشاره‌ای نکردند. لازم است دولت با ورود به این بخش مالیات‌ستانی از دانه درشت‌هایی که در قالب نهادها و بنیادها معاف از مالیات هستند، بخش درآمدی را ساماندهی کند. البته در این زمینه امروز موانع قانونی وجود دارد که باید برطرف شود. بعد از لغو برخی معافیت‌ها باید در پله بعد به سراغ فراریان مالیاتی برویم.

یکی دیگر از اقدامات مهمی که باید صورت گیرد، حذف رانت‌هایی است که در مجوزها و اختلاف قیمت‌ها وجود دارد. بنابراین باید درآمد‌ها را از این محل‌ها افزایش دهیم. در بخش هزینه‌های هم لازم است ساماندهی‌هایی صورت گیرد که کاندیداها به آن اشاره نمی‌کنند. البته آقای پزشکیان جسته‌گریخته به هزینه‌های بالای دولت اشاره کرده‌اند اما برنامه‌ای برای کاهش هزینه‌ها اعلام نشده است.

به نظر من برای کنترل تورم از یک سو باید درآمد‌ها افزایش پیدا کند و از سوی دیگر هزینه‌های دولت به‌ویژه در بخش‌های فرهنگی، آموزش عالی و... کاهش یابد. ضمن آنکه جابه‌جایی منابع نیز باید در دولت انجام شود. به‌طور مثال بخش‌های بهداشت و آموزش و همین‌طور تامین اجتماعی نیازمند اعتبارات بیشتری هستند.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین مواضع کاندیداها داشته باشیم، دیدگاه آقای جلیلی به ادامه راه فعلی و فشار به بخش تولید و خانوارهایی که مشمول مالیات مستقیم هستند، معطوف است. ولی دیدگاه آقای پزشکیان در بخش درآمدی با لحاظ نظرات آقای طیبنیا، عملی‌تر و کارآتر است. هر چند در بخش هزینه‌ها نیز باید دیدگاه آنها به‌طور جدی اعلام شود و جراحی لازم در بدنه دولت صورت گیرد.

در دولت آینده در بخش بانکی و شرکت‌های دولتی زیان‌ده نیز هیچ اغمازی نباید صورت گیرد چون هزینه آنها به فرودست‌ترین اقشار جامعه تحمیل می‌شود. شرکت‌های زیان‌ده باید منحل شوند و بانک‌های تجاری زیان‌ده که زیان آنها ناشی از تحمیل تکالیف دولتی است باید به نوعی تعیین تکلیف شوند. به نظر من یک عزم و اراده جدی لازم است تا ناترازی‌ها به‌ویژه در این دو حوزه برطرف شود.

یکی از مواضع مهم کاندیداها بحث قیمت‌گذاری است. از نظر من قیمت‌گذاری مردود است. در قیمت‌گذاری دولتی سازوکار بازار به هم می‌ریزد و تخصیص منابع به درستی صورت نمی‌گیرد. به این ترتیب انحراف در تخصیص منابع به‌وجود می‌آید و نهایتاً اقتصاد کوچک می‌شود. در شرایط خاص ممکن است دولت یک یا دو سال با کنترل ارز بخواهد جلوی رشد تورم را بگیرد. اما اینها راه حل‌های موقت است. بهترین شیوه برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر حمایت‌های مستقیم است. یعنی بدون اینکه به قیمت‌گذاری در بازار ورود داشته باشیم، جامعه هدف و منابع حمایت از آن را مشخص کنیم تا به‌صورت مستقیم از آنها حمایت شود. هر چقدر در بازار دستکاری قیمتی بیشتری صورت گیرد منافع آن به گروهی می‌رسد که جزو جامعه هدف نیستند. به هر حال چه در شرایط خاص و چه در شرایط عادی باید به بخش‌هایی از مردم کمک شود ولی باز هر چه این روش‌ها به روش بازار نزدیک‌تر شود هم نفع بیشتر جامعه هدف را به دنبال دارد و هم فساد کمتری ایجاد می‌کند.»

در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ در حالی که نقدینگی ۱۳ هزار و ۶۰۰ برابر شده اما اندازه تورم ۲ هزار و ۲۲ برابر شده و در همین دوره GDP حقیقی ایران دو برابر شده است. بر حسب نظریه مقداری پول چنین رشدی در شاخص‌ها به این مفهوم است که سهم غیرمولدها و مناسبات رانتی حاصل از شوک درمانی و میدان‌داری بانک‌های خصوصی بیش از دو برابر سهم متغیرهای متعارف در توزیع تورم در کشور است.

طی ۲۰ ساله ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ که بانک‌های خصوصی در ایران فعال شده‌اند، در حالی که نرخ رشد تولید ۳۶ درصد بوده، رشد نقدینگی ۱۰ هزار و ۲۵۰ درصد شده. یعنی شوک‌درمانی و پیوند آن با آزمندی و فاجعه‌سازی بانک‌های خصوصی اقتصاد ایران را به یک قمارخانه تبدیل کرده است. افرادی که درباره رابطه نقدینگی و تورم هم اغراق می‌کنند باید به آنها این مسئله حیاتی را گوشزد کرد که نقدینگی هنگامی به تورم منجر می‌شود که توزیع نقدینگی عادلانه باشد. هرکس با الفبای اقتصادسیاسی ایران آشنا باشد می‌داند که حدود ۸۰ درصد نقدینگی ما شبه‌پول است و ۲۴ درصد شبه‌پول‌ها در اختیار یک درصد سپرده‌گذاران است. یعنی وحشتناک‌ترین مناسبات فاسد، رانتی و نابرابر در توزیع نقدینگی ایران مشاهده می‌شود. برای اینکه بدانید این مناسبات چگونه از سوداگری ارتزاق پیدا می‌کند به سوداگری‌های وحشتناکی که در مسکن، ارز و سکه وجود دارد نگاه کنید.

من بسیار متأسفم که آنچه کاندیداها محترم درباره مسکن و امور دیگر مطرح می‌کنند کاملاً تحت تأثیر القانات گروه‌های مافیایی سودبرنده از این مناسبات است. فرض کنید به این توهم دامن می‌زنند که بدون کنترل آزمندی سوداگران، تنها با افزایش عرضه مسکن می‌توان گرفتاری فقرا را در این زمینه برطرف کرد. برای اینکه فقط آشنایی ابتدایی با ابعاد سوداگرانه این ماجرا داشته باشند آنها را به خواندن مطالعاتی که در دوره مرحوم رئیسی در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری انجام شده بود، دعوت می‌کنم. با کمال شگفتی در این مطالعه دیده می‌شود که در حالی که در خلال سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، ۱۱ میلیون خانه جدید در ایران ساخته شده اما فقط ۲/۵ میلیون نفر به تعداد صاحبخانه‌های ایران اضافه شده است. همین امروز نیز تعداد مسکن‌های موجود در ایران از تعداد خانوارهای کشور به مراتب بیشتر است و مسئله به مناسبات رانتی، بی‌ثبات و سوداگرپرور باز می‌گردد و تا زمانی که این مسئله حل نشود امکان اینکه فقرا نفس راحتی بکشند وجود ندارد.

چه کاندیداها شش‌گانه که از کیف شورای نگهبان عبور کرده بودند و چه کاندیداها فعلی به بدیهی‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل در این زمینه توجه نکردند. سوداگرها و پشتیبان‌های فکری آنها نقش سقوط بنیه تولیدی در ناتوانی سیاستگذاران در مهار تورم را به کلی حذف کردند. در ترجمه این اندیشه‌ها که انشالله به‌طور تصادفی با منافع سوداگران و دلالتان هم‌پیوند شده، به این نکته توجه نمی‌شود که اگر می‌توان فریدمن تورم را یک پدیده منحصراً پولی تلقی می‌کند دلیل این است که او در کشوری درباره تورم صحبت می‌کند که بیش از ۱۵۰ سال است از مرحله تولید انبوه عبور کرده است. بالغ بر ۷۰ سال از زمانی می‌گذرد که تعدادی از برجسته‌ترین اقتصاددان‌ها که در بین آنها چند برنده جایزه نوبل اقتصاد هم وجود دارد، تصریح کردند که مسئله تورم در اقتصادهای توسعه‌نیافته خصلت ساختاری دارد و یکی از مؤلفه‌های کلیدی این خصلت ساختاری، ضعف بنیه تولیدی و سلطه دلال‌ها و سوداگراست. اینکه گفته می‌شود دلیل اصلی تورم در ایران کسری بودجه دولت است، از نگاه ترجمه‌ای و کلیشه‌ای به اقتصاد سیاسی تورم ناشی می‌شود.

یکی از جذاب‌ترین زاویه‌های دید از دریچه اقتصاد سیاسی این است که نقش انتظارات را به اندازه اهمیتی که دارد، ببینیم. اگر به تحولات چند دهه اخیر ایران نگاه کنیم ملاحظه می‌کنید که همیشه تورم در ایران در دولت‌های به اصطلاح اصولگرا بیشتر بوده. دلیل این است که این دولت‌ها عموماً به تشدید تنش‌ها در عرصه سیاست خارجی اهتمام بیشتری داشتند و از آنجا که عمده منشأ درآمد‌های ارزی ما تحت تأثیر تحریم‌ها قرار داشته، شوک وارد کردن به انتظارات از طریق ایجاد احساس آینده‌هراسی و ضربه زدن به دسترسی کشور به درآمدهای ارزی به واسطه تحریم‌های ظالمانه و تلاش برای جبران آن کاستی‌ها از طریق بازی کنیاف از طریق نرخ ارز، ضربه‌های مهلکی را به اقتصاد ایران وارد کرده است.»



## محمد تقی فیاضی:

**تا زمانی که منابع درشت مالیاتی داریم نباید به سراغ محل‌هایی برویم که هم هزینه بالاتری دارد و هم ارقام ریزتری را در بر می‌گیرد. با این روش به مؤدیانی که همیشه حساب‌های روشنی داشتند و در بخش تولید کشور فعالیت می‌کنند، فشار وارد می‌شود**

## فرشاد مومنی:

**طی ۲۰ ساله ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ که بانک‌های خصوصی در ایران فعال شده‌اند، در حالی که نرخ رشد تولید ۳۶ درصد بوده، رشد نقدینگی ۱۰ هزار و ۲۵۰ درصد شده. یعنی شوک‌درمانی و پیوند آن با آزمندی و فاجعه‌سازی بانک‌های خصوصی اقتصاد ایران را به یک قمارخانه تبدیل کرده است**



سراغ مسئله بعد برویم را نداریم. ما به یک مجموعه جامع و کاملی از اصلاحات نیاز داریم. در این شرایط توالی اصلاحات نیز اهمیت زیادی پیدا می‌کند. اینکه کدام‌یک در اولویت اول قرار گیرد و کدام‌یک در مراحل بعد انجام شود خود به خود زمانی نسبتاً طولانی را برای به ثمر نشستن برنامه‌ها می‌طلبد. مهم این است که از جای درستی شروع شود و تقدم و تأخر درستی نیز داشته باشد.»

## یکی از کاندیداها باید سوگند یاد کند که منافع ملی را به منافع مافیای ترجیح دهد

**فرشاد مومنی، اقتصاددان در گفت‌وگو با هم‌میهن در نقد سیاست‌های اقتصادی کاندیداها به مسئله چگونگی مهار تورم می‌پردازد. مومنی که روز گذشته در ویدئویی اعلام موضع کرده و تأکید کرد که به پزشکیان رای می‌دهد، دیدگاه‌های کارشناسی مغفول در برنامه‌های اعلامی را گوشزد می‌کند: «به سهم خودم بسیار خوشحال هستم که کاندیداها محترم به پدیده تورم این اندازه توجه نشان می‌دهند. به واسطه اینکه پیوند تورم با فساد، نابرابری، اشتغال‌زدایی و مهارت‌زدایی و ایجاد فلج اجتماعی از طریق وارد کردن ضربه‌های کاری به کیفیت زندگی بخش بزرگی از مردم و همین‌طور به واسطه شدت بخشی به بحران پایبندی به افراد و از کارکردافتادگی هنجارها، تورم یک پدیده مهم و سرنوشت‌ساز است. تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که گروه‌های مافیایی که بخش‌هایی از ساختار قدرت را به تسخیر درآوردند از طریق ایجاد آشفتنگی دائمی و بی‌ثباتی، منافع غیرمولدها را تضمین می‌کنند و به حکومتگران بی‌کفایت نیز کمک می‌کنند تا از طریق تورم، ناکارآمدی‌ها و بی‌کفایتی‌های نظام سیاستگذاری را اعمال کنند، فسادهای گسترده و عمیق را پنهان کنند، اسراف‌ها و اتلاف‌ها را ادامه دهند و بالاخره از کارکردافتادگی سیستمی را در ایران ریشه‌دار کنند. اما آنچه مطرح شد ناظر بر نکاتی است که طی ۵۰ سال گذشته به عنوان راه حل برای حل و فصل تورم به کار گرفته شده و در کل این ۵۰ سال جز یکی دو دوره کوتاه ناموفق بوده و از خود این طرز نگاه غیرکارشناسی که تحت تأثیر منافع غیرمولدهاست به‌عنوان نیروی محرکه بازتولید تورم دورقمی نیز کار کرده است.**

تورم از جنبه سیاسی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. چراکه متفکران اقتصادی در فاصله دو جنگ جهانی ثابت کردند که هیتلر فرزندخوانده تورم بوده و از این ناحیه هشدار دادند که برخوردهای سهل‌انگارانه با مسئله تورم می‌تواند به فاجعه‌های بزرگ بیانجامد.

سیاست‌های اعلامی کاندیداها به وضوح نشان‌دهنده فقدان بنیه کارشناسی و پشتیبانی‌های مشاوره‌ای در این تمهیدات است. با توجه به اینکه وجه مشترک کاندیداها این است که به حکم علی‌الاطلاق فاقد صلاحیت‌های تخصصی در حیطه اقتصاد هستند من از دریچه اقتصاد سیاسی صحبت می‌کنم و خاضعانه تقاضا می‌کنم بازنگری بنیادی درباره نظام مشاوره و پشتیبانی کارشناسی خود انجام دهند. عزیزان باید بدانند که اگر مسئله به این سادگی حل می‌شد ۵۰ سال دوام نمی‌آورد.

دریچه اقتصاد سیاسی به ما کمک می‌کند پیوند این مناسبات و آن الگوهای موهوم ذهنی را با منافع مستقر غیرمولدها بهتر درک کنیم و بر حسب مسئولیتی که دارند و یکی از آنها باید سوگند یاد کند که منافع ملی را به منافع مافیای ترجیح دهند، صمیمانه و خاضعانه به آنها گوشزد می‌کنم که فلسفه وجودی کلیدی و مهم این الگوهای تبیینی، تلاش برای تیره کردن عامل‌های اصلی تورم در ایران است. تقریباً تمام مطالعه‌های باکیفیتی که درباره مسئله تورم در ایران طی بالغ بر ۳۵ سال گذشته صورت گرفته، نشان‌دهنده این است که رتبه یک شکل‌دهی تورم در ایران شوک‌های پی‌درپی به قیمت‌های کلیدی بوده است. بنابراین افرادی که از شوک‌درمانی نفع می‌برند این آدرس‌های اشتباه را به کل نظام سیاستگذاری کشور در ۳۵ سال گذشته و به‌ویژه به کاندیداها محترم داده‌اند تا شوک‌درمانی تظہیر شود.

نکته بعدی اینکه بعد از شوک‌درمانی بالاترین سهم در باب استمرار تورم دورقمی به طرز عمل بانک‌های خصوصی مربوط می‌شود و از این طریق ما با سلطه غیرعادی غیرمولدها در اقتصاد ایران روبه‌رو هستیم و هم به‌طور هم‌زمان فلاکت و ورشکستگی نصیب عامه مردم و تولیدکننده‌ها شده. بنابراین تا زمانی که فکری بایسته برای تعرض‌های نظام‌وار بانک‌های خصوصی به منافع عمومی نشود امکان کنترل و مهار تورم در ایران وجود نخواهد داشت.